ارائه الگوی توانمندسازی زنان با استفاده از مدل‌سازی ساختاری- تفسیری

◈ زهره رضوانی[۱] ◈ دکتر محسن نیازی[۲*] ◈ دکتر محمدعثمان حسینبر[۳]

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان و ساخت مدل مناسب بر اساس تکنیک مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری است. پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش کیفی و کمی به گردآوری اطلاعات از پژوهش‌های متعدد پرداخته و به عوامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان مانند فرهنگ جنسیتی، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، رسانه، ساختار خانواده، مذهب و ویژگیهای شخصیتی دست یافته است. این عوامل به شکل پرسشنامه‌ای خودتعاملی تنظیم شده و در اختیار ۱۵ متخصص حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی در رأس نمودار عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان جای گرفته‌است. فرهنگ جنسیتی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و رسانه به‌منزلهٔ متغیرهای کلیدی و مهم بر توانمندسازی زنان و ساختار خانواده، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی با کمی شدت و ضعف در بخش پیونددهنده قرارگرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه دو عامل فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی در رأس متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان قرار گرفته‌اند، در سطح فردی و اجتماعی به‌ویژه نهادهای مرتبط باید در جهت افزایش توانایی یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی برای ارائه پاسخهای رفتاری صحیح و همچنین افزایش و تقویت پایگاه افراد راه مناسب را اتخاذ کنند.

کلید واژگان: توانمندسازی زنان، مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری، عوامل مؤثر بر توانمندسازی

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۲ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول). **E-mail:** niazim@kashanu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

مقدمه و بیان مسئله

پیش‌نیاز داشتن جامعه‌ای فعال و سالم وجود خانواده‌های سالم است. زنان نقشی بسیار مهم درخانواده دارند. یکی از موضوعات اساسی بهره‌مندی صحیح از تواناییهای نیروی انسانی هر جامعه است. زنان به دلیل وجود موانع گوناگون که از عوامل حقوقی و فرهنگی تأثیر می‌گیرد قادر به ایجاد تغییرات اجتماعی و حتی اقتصادی نیستند و این موضوع تلاش در جهت رهایی زنان از فقر را با مشکل مواجه کرده است(تاراسی و همکاران، ۲۳۸:۱۳۹۸). در این میان توانمندسازی زنان در جامعه می‌تواند در راستای حل مشکلاتی از این قبیل نقشی بسزا داشته باشد. در افراد به دلیل انگیزه‌ها و دانش قدرتی پنهان وجود دارد و توانمندسازی برای آزادسازی این تواناییها به افراد کمک می‌کند (لیترل[1]، ۷۸:۲۰۰۷).

پس از سال ۱۹۶۰ میلادی کشورهای گوناگون برای کاهش این نابرابریها اقداماتی انجام دادند که می‌توان گفت توانمندسازی زنان[2] یکی از بزرگ‌ترین ایده‌های جهانی برای از بین بردن شکافهای نابرابری بوده است. هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک به تازگی برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو طرحهایی در راستای ایجاد برابری جنسیتی مطرح کرده است (صفاری و همکاران،۱۱۴:۱۳۹۹). فعالان حقوق زنان معتقدند که توانمندسازی زنان باید به رهایی زنان و مردان از نظامهای ارزشی کاذب و ایدئولوژیهای سرکوبگر منجر شود (جهان‌بین و همکاران، ۴۸:۱۴۰۰).

با توجه به نتایج پژوهشهای انجام شده در ایران و سایر کشورهای جهان، اجرای برنامه توانمندسازی همواره نتایجی مثبت به همراه داشته است. با اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان سطح درآمد به سطوح طبقاتی بالاتر ارتقا می‌یابد و این امر سبب توانمندی روانی زنان و رسیدن به قدرت تصمیم‌گیری، کنترل بر زندگی، حل مسئله و افزایش سازگاری فرد می‌شود (اکبری ترکمانی و همکاران، ۱۰:۱۳۹۷). مسائل و امور مربوط به جامعه را باید با درنظرگرفتن ابعاد گوناگون بررسی کرد و توانمندسازی زنان نیز از این امر مستثنی نیست. از جمله این عوامل شرایط اقتصادی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی‌اند که نقشی مهم در توانمندسازی زنان دارند. نکته مهم این است که توانمندسازی روان‌شناختی زنان تحت تأثیر عوامل گوناگون دیگر مثل شرایط اقتصادی و اجتماعی است و این به‌این معناست که همه ابعاد توانمندسازی به یکدیگر وابسته‌اند (جلیلیان و سعدی، ۷۴۶:۱۳۹۴).

برای توانمندسازی مدلهای مختلف ارائه شده است که از میان آنها می‌توان به مدل توانمندسازی مالاک[3] و همکاران (۱۹۹۶)، مک‌لاگان و نل[4] (۱۹۹۷)، مدل توانمندسازی اسپریتزر[5] (۱۹۹۵)، مدل توانمندسازی زنان لانگه[6](۱۳۷۶)، عباس‌زاده و بوداقی (۱۳۹۹)، کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) و خانی

1. Littrell
2. Women's empowerment
3. Mallak
4. McLagan & Nel
5. Sprietzer
6. Langeh

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

و همکاران (۱۳۹۱)، در داخـل و خـارج از کـشور اشـاره کرد. برای ایجاد توانمندسازی زنان و تدوین یک مدل مناسب برای آن باید شرایط و عواملی را از میان برد که مانع از فعالیت زنان می‌شوند و راههای افزایش توانایی زنان را یافت.

بانک جهانی در سال۲۰۱۶ اعلام کرد که به‌ویژه در کشورهای جهان سوم تبعیضهای جنسیتی بسیار شدید است (بانک جهانی، ۲۰۱۲:۶۶). وضعیت زنان به گزارش جهانی توسعه و نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۲ به این گونه است که طبق آن امتیاز بالاتر نشان از افزایش نابرابری جنسیتی است. رتبه ایران ۱۰۷ در برابر ۱۴۸ کشور، درصد نمایندگان زن ۳/۱، درصد زنان تحصیل کرده در متوسطه به بالا ۶۲/۱، مرگ و میر زنان در زایمان ۲۱ در هر صدهزار تولد و درصد مشارکت زنان در بازار کار ۱۶/۴ (برنامه توسعه سازمان ملل،۱۳۷۴:۵۱) است. همچنین مطابق شاخص شکاف جنسیتی ایران رتبه ۱۲۷ را دارد (مجمع جهانی توسعه،۲۰۱۲:۳۱).

به همین دلیل اهمیت مطالعه دربارۀ عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان نیز از اینجا ناشی می‌شود که بدون شناخت عوامل مؤثر ایجاد توانایی در زنان امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا شناخت این عوامل در ایجاد توانمندسازی زنان، از پیش شرطهای مهم برنامه‌ریزی برای ارتقای شرایط زنان جامعه است.

موضوع توانمندسازی زنان از جمله مباحثی است که در سالهای اخیر موردتوجه محافل علمی و پژوهشی قرار گرفته است. روش ساختاری تفسیری برای سطح‌بندی و تفسیر روابط مفهومی میان عوامل مؤثر بر موضوع مورد بررسی به‌کار برده می‌شود. این روش فرایندی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر و متغیرهای مختلف و مرتبط به هم در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند و از این‌طریق می‌توان روابط پیچیده میان متغیرها را جهت داد. دلیل انتخاب این روش این است که طبق یکی از اصلی‌ترین منطقهای این روش شناسایی متغیر اثرگذار بر سایر متغیرها مهم است، از این رو برای رسیدن به یک اولویت‌بندی صحیح در جهت دستیابی به متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان از این روش استفاده شده است. اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که با این روش می‌توان تأثیر یک متغیر بر سایر متغیرها را تحلیل کرد و ترتیب و جهت روابط پیچیده میان متغیرها را مورد ارزیابی قرار داد. در این میان اولویت‌بندی و تعیین سطح تأثیر هر متغیر بر توانمندسازی عاملی بسیار مهم است که با به‌کارگیری روش ساختاری ـ تفسیری تلاش بر انجام دادن آن داریـم. شـایان ذکر است که شاخصهای اصلی و متغیرهای استخراج شده بر اساس بررسی مقالات انجام شده در این حوزه و تکرار شاخصهای اصلی درآنها، همچنین استفاده از نظریات خبرگان و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی و مسائل زنان بوده است.

بر این اساس در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت مسئله، پژوهش با نگاهی جامعه‌شناختی علل مؤثر بر توانمندسازی زنان بررسی خواهد شد. همچنین هدف از انجام دادن پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی و تعیین متغیرهای اثرگذارتر بر توانمندسازی زنان با استفاده از مدل ساختاری ـ تفسیری است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

مبانی نظری و مفهومی

یکی از نظریات توانمندسازی زنان نظریه توانمندسازی روان‌شناختی است که برای نخستین‌بار اسپریتزر(۱۹۹۵)، آن را مطرح کرده است. در این نظریه توانمندسازی بیشتر از جهات مفاهیم درونی ارزیابی می‌شود، زیرا این امر کاملاً انگیزشی و درونی است. اسپریتز، داشتن شایستگی لازم، اختیار، معنادار بودن و مؤثر بودن را ابعاد توانمندسازی می‌داند (توماس[1] و همکاران، ۱۹۹۰: ۶۶۷).

نایلا کبیر[2] (۱۹۹۹)، ابتدا تعریفی از توانمندسازی ارائه داده که براساس آن توانمندسازی افزایش قدرت به اعضای جامعه است که پیش از این توانایی و قدرت را نداشته‌اند تا بتوانند به بهترین شکل در شرایط لازم تصمیم‌گیری کنند (کبیر، ۲۰۰۰؛ ترجمه صادقی، ۲:۱۳۸۹). کبیر سه بعد اصلی در توانمندسازی را بیان کرده است: منابع، عاملیت و دستاورد. منابع: یک عامل مهم برای آسان کردن مسیر رسیدن به توانمندسازی است زیرا به افراد قدرت و توانایی می‌دهد، حال این منابع می‌تواند محیطی یا انسانی باشد، مانند تحصیلات، درآمد و اشتغال. عاملیت: افراد براساس این عامل می‌توانند اهداف مورد نظر خود را انتخاب کنند و درجهت رسیدن به این اهداف گام بردارند. درواقع، با توجه به این تعریف نقش زنان را نباید در امور مهم زندگی و تصمیم‌گیری برای آن نادیده گرفت، زیرا این گروه خود یک مهره اصلی انجام دادن این فعالیتها هستند. دستاوردها: افراد پس از کسب توانمندی براساس تصمیمات، فعالیتها و انتخابهایی که داشته‌اند یک‌سری نتایج مانند، حضور فعال در زندگی و جامعه، فعالیتهای سیاسی و اقتصادی به دست می‌آورند، که دستاورد نامیده می‌شود (کبیر، ۱۳۸۹ :۱۵).

لانگه در نظریه خود توانمندسازی را یکی از حقوق مهم و ابتدایی برای انسانها می‌داند، زیرا انسانها حق دارند از این حق برخوردار باشند که تواناییهای آنها را نشان می‌دهد. سارا لانگه می‌گوید: منابعی که در جامعه وجود دارد بیشتر در اختیار مردان و بسیار ناعادلانه تقسیم شده است، زیرا زنان نمی‌توانند به آسانی به این منابع دست یابند و راه‌حل برای از بین بردن این نابرابری افزایش روحیه اعتماد به نفس و باور به خود در میان زنان است تا زنان نیز مانند مردان توانایی پذیرفتن مسئولیتهای مهم اجتماعی و سیاسی را داشته باشند. برای دستیابی به این شرایط چند راهکار وجود دارد که عبارت‌اند از: ایجاد دوره‌های مهارت‌آموزی و آموزشی برای حضور در سازمانهای رسمی و غیر رسمی. در چارچوب این نظریه افزایش اندیشه‌های جدید برای استفاده از روشهای نوین برای بالابردن تولید مدنظر است. نظریه توانمندسازی زنان در چارچوب این راهکارها در پی پیوند سه نظریه برابری، از میان بردن فقر و ایجاد رفاه است (لانگه، ۲۹:۱۳۷۶).

مایوکس[3] در نظریه خود دربارۀ توانمندسازی اقتصادی سه پارادایم مربوط را تفکیک می‌کند که عبارت‌اند از: در پارادایم اول، افرادی در جامعه که از سطح نازلی از شرایط اقتصادی برخوردارند با استفاده

1. Thomas
2. Kabeer
3. Mayoux

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

از ابزار اعتبارات خرد می‌توانند به شرایط بهتر راه یابند. پارادایم دوم خودکفایی پایدار مالی، به زنانی که روحیه و توانایی کارآفرینی دارند، تسهیلات لازم اعطا می‌شود تا دیگر عدم توانایی مالی مانع فعالیت آنان نشود و بتوانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. پارادایم سوم توانمندسازی جنسیتی، طبق این پارادایم سعی می‌شود به زنان دربارهٔ ارزشهای حاکم مربوط به نابرابری جنسیتی آگاهی لازم داده شود تا نسبت به حقوق برابر خود در برنامه‌های مربوط به توسعه نسبت به مردان آگاه شوند و برای از میان برداشتن این اندیشه‌ها اقدام کنند (مایوکس، ۲۰۰۵ :۵-۴).

آمارتیا سن[1] (۱۹۹۵)، اعتقاد دارد که اگر جامعه‌ای می‌خواهد به توسعه برسد ابتدا باید به زنان توجه کند. آمارتیا سن در این زمینه اعتقاد دارد که باید سیاستها و قوانین عمومی همراستا با از بین بردن تبعیضهای جنسیتی و شکل‌گیری برابری در این حوزه باشد. به‌عنوان مثال، برای زنان شرایط تحصیل، اشتغال و استفاده از امکانات و خدمات بهداشتی و پزشکی و مسئولیتهای فردی خانوار (ازطریق تصمیم‌سازی بالقوه والدین، به‌ویژه مادران) وجود داشته باشد (آمارتیا سن، ۱۹۹۵: ۳۵-۴۰).

در مجموع نظریهٔ توانمندسازی درپی افزایش قدرت در زنان در زندگی و جامعه خود و ایجاد احساس عزت‌نفس و توانایی حق تصمیم‌گیری و برابری جایگاه زنان با مردان در سطوح گوناگون جامعه است.

بوردیو به زمینه و ساختمان ذهنی اشاره دارد. سرمایه اجتماعی مجموع منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شدهٔ آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد. یک‌سری عوامل فردی و گروهی وجود دارند که می‌توانند بر توانمندسازی در ابعاد گوناگون مؤثر واقع شوند. دستهٔ اول ویژگیهای شخصیتی افراد و دستهٔ دوم زمینه‌ها و ترکیبهای میان‌گروهی افرادند که می‌توانند منجر به افزایش توانمندسازی شوند. در مجموع پیوند میان ویژگیهای شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی و جهت‌گیری فردگرایانه ـ جمع‌گرایانه با مشارکت در کنش جمعی، باید برحسب جایگاه اجتماعی افراد مورد بررسی قرار گیرند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱). در این بخش به تعریف متغیر توانمندسازی زنان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود.

- **توانمندسازی(زنان):** هدف نهایی توانمندسازی ایجاد توسعه در میان گروههای آسیب‌پذیر جامعه است که در نهایت بتوانند مسیر شروع، کنترل و سرپرستی پیشرفت خویش را طی کنند تا علاوه بر رشد شخصی در طرحهای کلان جامعه نیز مشارکت داشته باشند (تاراسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۹).

توانمندسازی زنان به این معناست که در زنان توانایی سازماندهی ایجاد شود به شیوه‌ای که قدرت اعتماد به نفسشان را بالا ببرد تا از حقوق طبیعی خود در جامعه آگاه شوند و بتوانند بر منابع

1. Amartya Sen

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

کنترل داشته باشند و جایگاه خود را از جایگاه فرودست به بالادست ارتقاع دهند. توانمندسازی در زنان فرایندی پویاست تا به کمک آن در جهت تغییر ساختارها، ارزشها و عقایدی گام بردارند که سبب تفاوت جایگاه آنان با مردان می‌شود (مالهوترا[1]، ۲۰۰۲: ۵).

- **ساختار خانواده و سبک فرزندپروری خانواده[2]:** ساختار خانواده عبارت است از همه روابط میان اعضای خانواده به این دلیل که قدرت یک عامل مهم اســت و در روابط متقابل میان افراد خانــواده جاری و بر نحوه تصمیم‌گیریهای مربــوط و انجام دادن کارها در نهاد خانواده تأثیرگذار اســت. روابط درون خانواده، زمینه‌های ارزشی خانواده، تعداد افراد درون خانواده و ... درمجموع ســاختار خانواده را تشکیل می‌دهند. دایانا بامریند[3] (۱۹۹۱) اصطلاح فرزندپروری را تعیین انواع تلاشهای والدین برای کنترل و جامعه‌پذیری کودکانشان تعریف کرده است (فرهمند و رضوانی، ۱۳۹۸: ۱۴۳).
- **آگاهی اجتماعی[4]:** این مفهوم را امیل دورکیم (۱۹۱۷)، اشاعه داده است. آگاهی اجتماعی فهم بین‌الاذهانی و مشــترک ارزشــهای اجتماعی و هنجارهای خاص جوامع در میان اعضای جامعه است. آگاهی اجتماعی را افراد از راههای گوناگون مانند رسانه‌های جمعی، آموزش و جامعه‌پذیری دریافــت می‌کنند و در خانواده و گروهها به‌وجود می‌آید. ویژگیهای آگاهی جمعی در هر جامعه با توجه به شــرایط خاص آن(شــرایط تاریخی، جغرافیایی و...) و متناسب با همان جامعه شکل می‌گیرد(آستین فشان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵)،
- **شبکه‌های اجتماعی[5]:** شبکه‌های اجتماعی اینترنتی پایگاه یا مجموعه پایگاههایی‌اند که امکان آن را فراهــم می‌آورند تا کاربران بتوانند علاقه‌مندیها، افکار و فعالیتهای خودشــان را با دیگران به‌اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیتها را با آنان سهیم شوند. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویســهای مبتی بر وب اســت که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آنها به اشــتراک بگذارند و از میان توصیفــات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون[6]، ۲۰۰۷ :۲۱۲).
- **کلیشه‌های جنسیتی[7]:** کلیشه‌های جنســیتی، مجموعــه‌ای از باورهای ذهنی‌اند که مبنای

1. Malhotra
2. Family structure and parenting style
3. Baumrind
4. Social conscience
5. Social networks
6. Boyd & Ellison
7. Gender stereotypes

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

نگرش فرهنگی و اجتماعی به مفهوم جنسیت قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر وجود این کلیشه‌ها سبب می‌شـــوند که ویژگیهایی خاص به‌طور جداگانه به زنان/مردان تعلق بگیرند به گونه‌ای که چنین ویژگیهایی به سبب خاص بودن، تنها به یک جنس تعلق دارند. به‌این ترتیب مبنای قضاوت در مورد زن بودگی مرد بودگی عمل فرد نیست، بلکه جنسیت وی تعیین می‌کند که او دارای چه ویژگیهایی مثبت یا منفی غیرقابل تغییر یا تعدیل ـ صرف‌نظر از درست بودن قضاوت ارزشی ـ است. این کلیشـــه‌ها بیش از هر چیز در ســـطح زبان خود را نشـــان می‌دهند (زمانی مقدم و افشانی، ۹۳:۱۳۹۷).

محتوای کلیشه‌های جنسیتی دارای چهار مؤلفه مستقل از یکدیگر است که اغلب وسیله‌ای جهت جدا کردن زنان و مردان در جامعه و شامل رفتارها، صفات، ویژگیهای فیزیکی و مشاغل‌اند (زارعیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۳)

- **فرهنگ مردســـالاری**[1]: مردســـالاری به نظام و ساختاری اطلاق می‌شـــود که از راه نهادهای اجتماعی، سیاســـی و اقتصادی خود، زنان را زیر ســـلطه دارد. میزان قدرت مردان نسبت به زنان درجوامع گوناگون، متفاوت اســـت. در همهٔ جوامع مردســـالار، مردان ســـهمی بیشتر از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند. در جوامع مردســـالار، زنان و فرزندان نقشـــی در تصمیمهای مهم و انتخاب همســـر ندارند و پدران و بزرگان خانواده‌ها تصمیم گیرنده‌اند (ابوت و والاس، ۱۳۸۵: ۳۲).

طبق الگوی جامعه‌پذیری جنســیتی، کــه در آن مردانگــی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ســاختار مردســالار خانواده‌انــد و در حوزه‌هــای خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند. همهٔ نظریه‌های ستمگری جنسی موقعیت زنان را پیامد رابطهٔ قدرت مستقیم میــان زنــان و مــردان می‌انگارند (احمدی و همکاران، ۵۴۷:۱۴۰۰).

- **پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی**[2]: پایگاه اقتصادی یک فرد به میزان دارائیها و ثروت او مربوط است و پایگاه اجتماعی فرد به میزان وســـیعی در قید تصوری است که دیگران در جامعه از وی دارند. ارزیابی افراد نیز به نوبه خود به درجه برخورداری یا محرومیت او از معیارهای پایگاه اجتماعی او بستگی دارد (حیدرنژاد و همکاران، ۲۱۸:۱۳۹۵). پایگاه اجتماعی نتیجه ارزشی است که جامعه به یک نقش اجتماعی می‌دهد. به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی نتیجه ارزش‌گذاری عمومی جامعه نسبت به شخص ایفاکنندهٔ نقش است(ربانی و انصاری). به عقیده وبر پایگاه اجتماعی فرد همراه با طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی سه بعد اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. عوامل

1. Patriarchy
2. Socio-economic status

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

متعددی مانند نیاکان، وضع تمکن، مفید بودن (به ویژه از لحاظ شغلی)، میزان و نوع تحصیلات و خصوصیات بیولوژیکی می توانند با چگونگی پایگاه اجتماعی افراد مرتبط باشـــند (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴).

- **مشارکت اجتماعی**[1]: مشارکت اجتماعی انواع کنشهای فردی و گروهی را دربر دارد، این مشارکت دخالت در تعیین سرنوشـــت خود فرد و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت اجتماعی سه سطح عینی و ذهنی و روحیه مشارکتی دارد. مشارکت اجتماعی فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به‌عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعـــی و ایفای نقش یا نقشـــهای اجتماعی که به وی محول می‌شـــود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت اجتماعی بروز می‌یابد (احمدی و دستور، ۱۴۰۰: ۴۱).
- **سواد رسانه‌ای**[2]: سواد رسانه‌ای به توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط با پیامهای رســـانه‌ای در اشکال مختلف و توانایی معناسازی اطلاق می‌شود و قابلیتی است که به فرد امکان می‌دهد تا با رســـانه‌ها و ارائه‌دهندگان اطلاعات به‌طور مؤثر تعامل داشته باشد و برای یادگیری مستمر و مادام‌العمر از آن رسانه‌ها بهره بگیرد و در مواقع لازم پیامها و کارکردهای آنها را نقد کند (هالاک[3]، ۲۰۱۶: ۶۷).
- **سرمایه فرهنگی**[4]: سرمایه هر آن چیزی اســـت کـــه می‌تواند در تعلق و تملک فرد قرار گیرد که در گذشـــته، اساساً صورتهای مادی و کاملاً عینی داشـــت. سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو به تمرکز و انباشت انواع کالاهای فرهنگی، توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت افراد در شـــناخت و کاربرد کالاهای فرهنگی اشاره دارد. به عبارت دیگر از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب. سرمایه فرهنگی شامل سرمایه تجسم یافته، عینی شده و نهادینه شده است. سرمایه فرهنگی با متغیرهایی چون آگاهی، دانش، تحصیلات، اعتماد و همکاری اجتماعی ارتباط دارد (منظمی تبار، ۱۴۰۰: ۳۸۳).

جدول ۱. عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان

معیارها	پژوهشگران/ سال
مشارکت اجتماعی	کرمانی و همکاران (۱۳۹۳) ـ ابوالفتح‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) ـ تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) ـ صیامی و ستاری‌وند (۱۴۰۰)

1. Social participation
2. Media literacy
3. Hallaq
4. Cultural capital

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

جدول ۱. (ادامه)

معیارها	پژوهشگران / سال
آگاهی اجتماعی	خانی و همکاران (۱۳۹۱) ـ کرمانی و همکاران (۱۳۹۳) ـ کیانی قلعه سرد و ارسلان بد (۱۳۹۳)
ساختار خانواده	قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) ـ زمانی مقدم و همکاران (۱۴۰۰) ـ باقری و حسینی(۱۴۰۱) جهان‌بین و همکاران (۱۳۹۹)
متغیرهای زمینه‌ای	تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) ـ جهان‌بین و همکاران (۱۳۹۹) ـ کشاورزی و شمشیری(۱۳۹۹) جمشیدی و مهدی‌زاده (۱۳۹۸)
پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی	یاسمی و همکاران (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان شاغل سرپرست خانوار در حوزه جغرافیایی استان ایلام با رویکرد منطقه‌ای کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) ـ جمشیدی و مهدی‌زاده (۱۳۹۸) ـ جهان‌بین و همکاران (۱۳۹۹)
ویژگیهای شخصیتی	ابوالفتح‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) ـ تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) ـ جمشیدی و مهدی زاده (۱۳۹۸) کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) ـ عربخانی و همکاران (۱۳۹۸)
رسانه	خانی و همکاران (۱۳۹۱) ـ حسن‌پور و همکاران (۱۴۰۰) ـ ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۱)
فرهنگ جنسیتی	جهان‌بین و همکاران(۱۳۹۹) ـ تاراسی و همکاران (۱۳۹۸) ـ باقری و حسینی(۱۴۰۱) ابوالفتح‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)
سرمایه فرهنگی	قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) ـ ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۱) ـ عباس‌زاده و بوداقی (۱۳۹۹)

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری استفاده شده است. مدل‌سازی ساختاری-تفسیری[1] روشی اکتشافی برای شناسایی روابط شاخصها و سطح‌بندی آنهاست. با این روش امکان شناسایی الگوی روابط علی و پیچیده میان عوامل گوناگون و سطح‌بندی آنها فراهم می شود. ایده نخستین این روش را وارفیلد به سال ۱۹۷۴ مطرح کرده و اندرو سیج به سال ۱۹۷۷ توسعه داده است. بیشتر پژوهشهای کنونی بر رویکرد سیج استوارند. می‌توان کاربرد مهم این روش را پس از شناخت عوامل اصلی موضوع طراحی الگوی اولیه مورد مطالعه با روشهای کیفی بیان کرد (اگروال[2] و همکاران۲۰۰۷). برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه تنها یک ماتریس استاندارد است. حجم نمونه براساس روشهای انتخاب خبرگان تعیین شده است. جامعه این روش را خبرگان این حوزه تشکیل داده‌اند و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

1. Interpretive Structural Modeling
2. Agarwal

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

برای مدل‌سازی ساختاری-تفسیری هفت گام اصلی برداشته می‌شود:

- **گام اول:** تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری است که پس از شناسایی شاخصهای زیربنایی پدیده مورد مطالعه یک ماتریس مربع n×n از شاخصهای موجود طراحی می‌شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه ISM است. نمادهایی که برای این کار استفاده می‌شوند عبارت‌اند از:

  V اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر داشته باشد.

  A اگر متغیر j در ایجاد متغیر i تأثیر داشته باشد.

  X اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر داشته باشد و به‌عکس.

  O اگر متغیر i در ایجاد متغیر j تأثیر نداشته باشد و به‌عکس.

- **گام دوم: ماتریس دریافتی:** ماتریس دریافتی[1] از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به‌دست می‌آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می‌شود. ماتریس به‌دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد (حبیبی و آفریدی،۱۴۰۱: ۱۲۴)

- **گام سوم:** پس از دستیابی به ماتریس دسترس‌پذیری اولیه، باید حالت ترایایی میان عوامل نیز بررسی شود. اگر i منجر به j و j منجر به k شد، آنگاه i باید منجر به k شود (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷) هوآنگ و همکاران از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری استفاده کرده‌اند. به این صورت که ماتریس دستیابی را به توان (K+۱) می‌رسانند و K≥۱ است. البته، عملیات به توان رساندن ماتریس r باید طب قاعده بولیَن (۱ + ۱=۱، ۱ × ۱=۱) باشد.

- **گام چهارم:** تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخصهاست که برای تعیین روابط و سطح‌بندی معیارها در مدل ساختاری ـ تفسیری ISM باید مجموعه خروجیها و مجموعه ورودیها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج شود. مجموعه دستیابی (اثرگذاری یا خروجیها) شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرند. مجموعه پیش‌نیاز (اثرپذیری یا ورودیها) شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می‌شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجیها) باشد، سطح اول

1. Reachability matrix

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

خواهد بود. بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از شناسایی شاخصهای سطح اول، این عناصر حذف می‌شود و فرایند محاسبه مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز ادامه پیدا می‌کند. این فرایند تا حذف همهٔ شاخصها ادامه پیدا می‌کند.

◆ **گام پنجم:** ماتریس دسترسی نهایی است که باید به سطوح مختلف دسته‌بندی شود. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی به ازای هر کدام از آنها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل می‌شود. در نخستین جدول شاخص یا متغیرهایی که اشتراک مجموعه خروجی و ورودی آنها یکی است، در فرایند سلسله مراتب به‌عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند، به‌طوری که این متغیرها در ایجاد هیچ متغیر دیگری مؤثر نیستند. آن متغیرها پس از شناسایی بالاترین سطح از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابند.

◆ **گام ششم:** ابتدا بر اساس سطح، معیارها را طبق اولویت به دست آمده از بالا به پایین مرتب می‌کنیم. با استفاده از ماتریس حاصل‌شده از ماتریس دریافتی مرتب شده بر اساس سطوح، مدل ساختاری با گره‌ها و خطوط رسم می‌شود. اگر رابطه‌ای از i به j وجود دارد، با پیکانی از i به j مشخص می‌شود.

◆ **گام هفتم: (نمودار MICMAC)**: به‌منظور بخش‌بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هر یک از عناصر قدرت محرکه۱ و وابستگی۲ محاسبه شود. قدرت محرکهٔ یک مؤلفه تعداد مؤلفه‌هایی است که متأثر از معیار مربوط‌اند، از جمله خود آن مؤلفه قدرت وابستگی نیز تعداد مؤلفه‌هایی‌اند که بر مؤلفهٔ مربوط تأثیر می‌گذارند و به دستیابی به آن منجر می‌شوند. در این جدول مؤلفه‌ها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی و مستقل (مؤلفهٔ محرک) تقسیم می‌شوند (حبیبی و آفریدی،۱۴۰۱: ۱۴۰).

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۹ عامل مؤثر در توانمندسازی زنان شناسایی و مشخص، سپس در قالب پرسشنامه گردآوری شده‌اند. این پرسشنامه‌ها در دسترس پانزده خبرهٔ جامعه‌شناسی قرار گرفتند. خبرگان با توجه به ارتباط عوامل با یکدیگر و در نهایت تأثیر آنان بر توانمندسازی زنان به نشانه‌گذاری هر یک از سلولهای ماتریس با علائم x، o، v و a پرداختند. پس از آن، پژوهشگر با داده‌های به دست آمده ماتریس خودتعاملی تشکیل داد که در ادامه (جدول ۲) یکی از جداول را مشاهده خواهید کرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

معیارهای j / معیارهای i	مشارکت اجتماعی	آگاهی اجتماعی	ساختار خانواده	متغیرهای زمینه ای	پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی	ویژگیهای شخصیتی	رسانه	فرهنگ جنسیتی	سرمایه فرهنگی
مشارکت اجتماعی		X	A	A	X	A	X	X	X
آگاهی اجتماعی			A	A	X	A	A	X	X
ساختارخانواده				A	V	V	V	X	V
متغیرهای زمینه‌ای					V	V	V	A	V
پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی						V	V	V	X
ویژگیهای شخصیتی							A	A	V
رسانه								X	X
فرهنگ جنسیتی								X	X
سرمایه فرهنگی									X

جدول ۳. ماتریس دستیابی اولیه

مدل	آگاهی اجتماعی	ساختار خانواده	پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی	ویژگی شخصیتی	مذهب	مشارکت اجتماعی	رسانه	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	فرهنگ جنسیتی	قدرت نفوذ
آگاهی اجتماعی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۸
ساختار خانواده	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۷
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
ویژگی شخصیتی	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۴
مذهب	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۴
مشارکت اجتماعی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۸
رسانه	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۷
سرمایه فرهنگی	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۸
سرمایه اجتماعی	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۸
فرهنگ جنسیتی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
قدرت محرکه	۳	۹	۸	۹	۹	۴	۵	۱۰	۱۰	۵	

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

قدرت محرکه نشان از قدرت تأثیرگذاری دارد. در جدول شماره ۳ فرهنگ جنسیتی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی با قدرت محرکه (۹) بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی داشت و پس از آن آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با قدرت محرکه(۸) در ردهٔ بعدی قرار می‌گیرد. در مرتبه بعد رسانه و ساختار خانواده با قدرت محرکه (۷) جای دارند و کمترین قدرت محرکه به مذهب و ویژگیهای شخصیتی با قدرت محرکه(۴) تعلق دارد.

پس از این مرحله، می‌توان با ضرب ماتریس در خودش، ماتریس را به حالت پایداری رساند، اما چون پرسشنامه بسیار دقیق طراحی شده بود، با توجه به نظر استادان راهنما در این مرحله از پایدارکردن چشمپوشی شد.

پس از آن با استفاده از ماتریس مذکور، سطح‌بندی عوامل انجام گرفت. چگونگی سطح‌بندی عوامل در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴. ماتریس اولین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی

عوامل	مجموعه دستیابی نهایی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۱	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۲-۱	۱۰-۶-۱	۱۰-۶-۱	
۲	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۵-۳-۲	
۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	
۴	۹-۸-۴-۳	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۴-۳	۱
۵	۹-۸-۵-۲	۱۰-۹-۸-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۵-۲	۱
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱	
۷	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	
۸	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱
۹	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	

همانطورکه در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود عوامل ۴ (ویژگی شخصیتی)، ۵ (مذهب)، ۸ (سرمایه فرهنگی) و ۹ (سرمایه اجتماعی) به‌عنوان عوامل تأثیرپذیر، سطح (۱) گرفتند و از جدول حذف شدند.

جدول شماره ۵ با پنج عامل دیگر ادامه می‌یابد. در ادامه شاهد سطح‌بندی سطح دوم با ۵ عامل باقی‌مانده‌ایم.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

جدول ۵. ماتریس دومین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

عوامل	مجموعه دستیابی نهایی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۲	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۵-۳-۲	۲
۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۱۰-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲	۲
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱	
۷	۹-۸-۷-۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۹-۸-۷-۳-۲	۲
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	

با توجه به جدول شماره ۵، عوامل ۲ (ساختارخانواده)، ۳ (پایگاه اجتماعی و اقتصادی) و ۷ (رسانه) با قرارگرفتن درسطح ۲ به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر سطح ۱ شناسایی شدند که در جدول شماره ۴ آمده بودند.

جدول ۶. ماتریس سومین تکرار در تعیین سطوح عوامل مؤثر بر توانمندسازی

۱	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۲-۱	۱۰-۶-۱	۱۰-۶-۱
۶	۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۶-۳-۱	۶-۳-۱
۱۰	۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱	۱۰-۹-۸-۳-۱

براساس جدول شماره ۶، عوامل ۱(آگاهی اجتماعی)، ۶ (مشارکت اجتماعی) و ۱۰(فرهنگ جنسیتی) به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل، شناخته شدند. این عوامل بر ۷ عامل دیگر نیز تأثیرگذارند. در ادامه نموداری از نتیجه تعیین سطح ترسیم شده است.

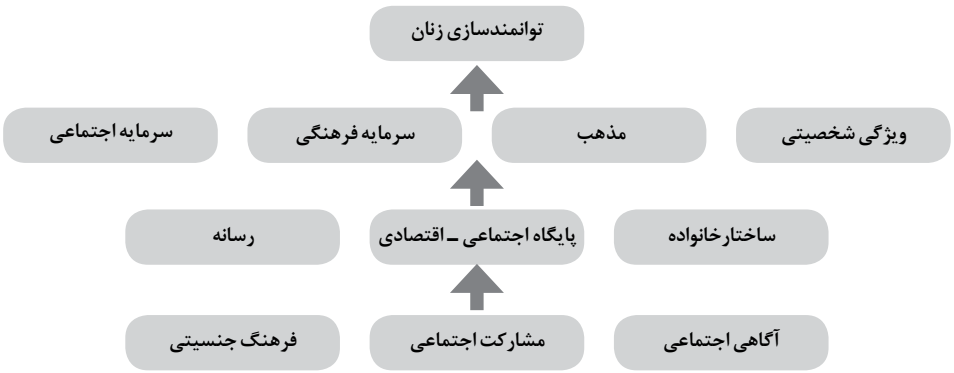

نمودار ۱. نتیجه تعیین سطح عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

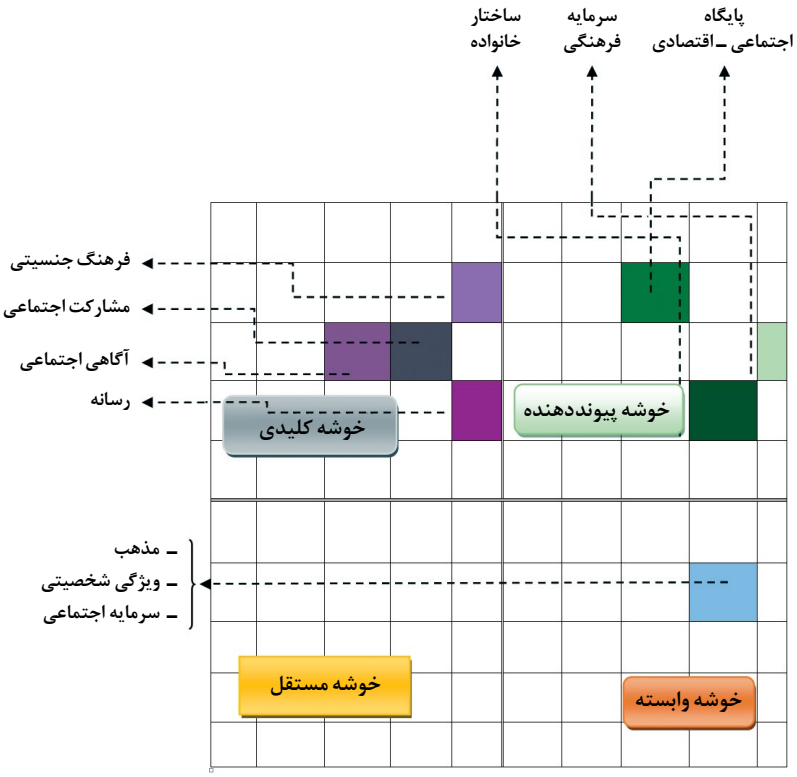

نمودار ۲. خوشه‌بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان با استفاده از روش MICMAC

همانگونه که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد ده عامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در سطر و ستون آن قرار گرفتند. با تقسیم اعداد سطر و ستون بر ۲ میانهٔ این اعداد برابر با ۶ است. در این صورت نمودار به ۴ بخش تقسیم شده که شامل متغیرهای کلیدی، پیونددهنده، وابسته و متغیر است. براساس مندرجات نمودار شماره ۲، فرهنگ جنسیتی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و رسانه به‌عنوان متغیرهای کلیدی و مهم بر توانمندسازی زنان و ساختار خانواده، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی با کمی شدت و ضعف در بخش پیونددهنده قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

مسئله اساسی این است که هیچ‌کدام از متغیرها بی‌تأثیر بر پدیده موردنظر (توانمندی بانوان) نیستند، اما آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی بوده پیوند میان این متغیرها و تأثیر آنها بر هم بوده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

با توجه به مطالبی که در قسمتهای پیشین مطرح شد، پس از بررسی دقیق پژوهشهای انجام گرفته و استفاده از نظر خبرگان پیرامون توانمندسازی ۹ عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری توانمندسازی زنان شناخته شدند. آنگاه به منظور تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرهای مؤثر بر توانمندسازی زنان از مدل ساختاری ـ تفسیری(ISM) استفاده شد. نتایج حاصل از این مدل بر نقش مؤثر مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و فرهنگ جنسیتی به‌عنوان متغیرهای کلیدی مؤثر بر توانمندی تأکید دارد.

نایلا کبیر در نظریه خود در زمینهٔ توانمندسازی زنان قدرتمند شدن زنان را این گونه تعریف می‌کند: «گسترش توانایی زنان برای اتخاذ تصمیمهای کلان و راهبردی (استراتژیک) زندگی در زمینه‌ای که پیشتر این توانایی از آنها دریغ شده بود». وی این توانایی را از نظر تغییراتی سنجیده است که در سه بعد منابع، عاملیت و دستاوردها اتفاق می‌افتند. همان‌طور که بیان شد، وی قدرتمند شدن را در سه سطح از هم تفکیک کرده است: سطوح عمیق‌تر(مناسبات ساختاری: طبقه، هزینه، جنسیت)، سطوح میانی(قواعد و منابع مادی) و سطوح بی‌واسطه(منابع فردی، عاملیت و دستاوردها). سپس بازی قدرت در هر سطح را تصویر کرده است. از نظر او قدرتمند شدن در اولین قدم در سطوح فردی پیش می‌آید (سطح بی‌واسطه). قدرتمند شدن می‌تواند در سطوح میانی در قواعد و مناسباتی پیش‌بیاید که در عرصه‌های شخصی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی رایج است یا در ساختارهای عمیق‌تر و پنهانی که توزیع منابع و قدرت را در جامعه شکل می‌دهند و در طول زمان آن را بازتولید می‌کنند. البته از نظر وی برای اینکه هر یک از این تغییرات به فرایندهای معنادار و پایدار قدرتمندشدن تبدیل شوند، باید در نهایت هم سطوح فردی و هم ساختاری را دربربگیرند. در این راستا می‌توان به اهمیت دو عامل آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی پی برد که از قدرتمندی در سطوح فردی و اجتماعی نشأت می‌گیرند. نکته مهم دیگر تأکید سارا لانگه و نظرات وی دربارهٔ پنج مرحله توانمندی است که مرحله ۳ و ۴ آن آگاهی و مشارکت است که در این پژوهش نیز اهمیت این متغیرها روشن شده است.

همان‌طور که بیان شد با توجه بررسیهای انجام شده متغیرهای نام‌برده هر کدام تأثیری متفاوت بر یکدیگر و همچنین بر توانمندسازی زنان داشته‌اند. یکی از نکات مورد اهمیت تأکید پژوهشها پیشین و همچنین گروههای کانونی بر متغیر پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی است که از میان آنها می‌توان به نظریه پایگاه اقتصادی مایوکس اشاره کرد. همچنین اشاره به پژوهشهای کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹) و یاسمی و همکاران (۱۴۰۲)، که طبق یافته‌های آنها زنان با ارتقای وضعیت اقتصادی و عملکرد مالی خود، قدرت تصمیم سازی و ساماندهی و کنترل بر منابع را کسب می‌کنند. توانمندسازی اقتصادی به‌منزلهٔ فرایندی چند بعدی تعریف شده که با توانایی کنترل بر منابع، قدرت و گسترش تواناییهای فرد، در هم تنیده شده است، اما مسئله اساسی این است که

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

در پژوهش حاضر ما شـــاهد تأثیر متغیر مشارکت و آگاهی اجتماعی بر سایر متغیرها هستیم که بی‌ارتباط با نظریه بوردیو نبوده است. بوردیو اشاره به زمینه و ساختمان ذهنی دارد. سرمایه‌اجتماعی مجموع منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکهٔ پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شـــدهٔ آشنایی و شـــناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (فیلد، ۳۱:۱۳۸۶). یک‌سری عاملهای فردی و گروهی وجود دارند که می‌توانند بر توانمندسازی در ابعاد گوناگون مؤثر واقع شـــوند. گروه اول ویژگیهای شخصیتی افراد و گروه دوم زمینه‌ها و ترکیبهای میان ـ گروهی افرادند که می‌توانند منجر به افزایش توانمندســـازی شوند. در همین راستا پتانسیل توانمندسازی نه تنها از لحاظ منابع و تواناییهای شـــخصی مردم، بلکه از نظر قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده از سوی گیدنز میان ساختار اجتماعی و عاملان انسانی تبیین نظری این مـــورد را تقویت می‌کـند که توانمندسازی اجتماعات و توانمندسازی فـردی هم‌بخشی دارند (گیدنز، ۱۶:۱۹۸۴)

گیدنز[1] در نظریه ســـاختار و عاملیت معتقد اســـت که «عوامل انسانی از طریق فعالیتهایشان شرایطی را به وجود می‌آورند که این فعالیتها را امکان‌پذیر می‌سازند. انسانها ضمن ابراز وجود در نقش کنشگر، درگیر فعالیت می‌شوند و از طریق همین فعالیت است که هم آگاهی و هم ساختار ایجاد می‌شـــود» (ریتزر، ۱۳۹۲، ۶۶۰). بر این اساس زنان، به‌ویژه زنان جوان‌تر، در جایگاه خود به نوعـــی با مبارزه با وضعیت موجود، ضمن مبارزه و ســـعی در تعریف مجدد وضعیت خود و تثبیت جایگاه نو برای خود می‌توانند به اهداف موجود دست یابند. مثلاً اشتغال زنان یا آموزش که در پی خود افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سطح آگاهی و کسب جایگاه مناسب را برای آنها به همراه خواهد آورد، ممکن اســـت در محیط بیرون از خانواده دشواریهای ارزشی و هنجاری و حتی عملی خاص خودش را داشـــته باشد. فرهنگ جنســـیتی، افزایش آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی به‌مثابه متغیرهایی که ایجاد آنها در فرد در گرو ساختار اجتماعی است می‌توانند در جهت افزایش توانمندسازی زنان مؤثر باشند. هرچند توانمندسازی ممکن است از نظر توانایی افراد در تأثیرگذاری برای تغییر دادن در نظر گرفته شـــود، اما توانایی فردی را که در فعالیت اختصاصی وی بروز یافته است نمی‌توان بدون ارتباط با ساختارهای موجود کنترلی درک کرد که آن فرد با رفتارش تقویت و تفســـیر کرده و تغییر داده اســـت. ازاین‌رو فرایند توانمندسازی بستگی دارد به آنچه پیش از آن در جامعه وجود داشته است و موضوع فرهنگ جنسیتی و نگاه جامعه به زنان برای ایجاد تغییرات اجتماعی به نفع زنان به همدیگر وابسته‌اند. موفقیت این فرایند وابسته است به اینکه چه چیزی و به چه میزان تغییرات در سطح فردی، در سطح اجتماعات و در نظام اجتماعی به این فرایند مرتبط است. رسانـه، ساختـار خـانواده و پایگاه اجتماعی ـ اقتصـادی از جمله عرصه‌های فردی اجتماعی

1. Giddens

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

تأثیرگذارند که می‌شود در اینجا به آنها نیز اشاره کرد.

روشن است که همه این عوامل با ســـطوحی متفاوت بر توانمندسازی اثرگذارند. چهار متغیر دیگر شـــامل ویژگی شخصیتی، مذهب، ســـرمایه فرهنگی و اجتماعی در ردیف آخر تأثیرگذاری بر متغیر توانمندسازی قرار گرفته‌اند. هر چهار متغیر بالا با تأثیرپذیری از متغیرهای پایین‌تر از خود بر توانمندسازی اثرگذارند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

منابع

REFERENCES

آستین‌فشـــان، ثریا؛ علی‌بیگی، امیرحسین؛ کرمی دهکردی، اســـماعیل و غلامی، مصیب. (۱۳۹۶). واکاوی تأثیر آگاهیهای اجتماعی بر مقدار توانمندی زنان روســـتایی (بخش زنجانرود شهرستان زنجان). *فصلنامه علمی ـ پژوهشی زن و جامعه*، ۸ (۴)، ۱۰۳-۱۲۴.

ابوالفتح‌زاده، زهرا؛ یوسفی، زهرا و امینی، امیرمظفر. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان اصفهان. *پژوهشنامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷ (۱)، ۱-۲۷.

ابوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۵). *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.

احمدی، ســـیروس؛ صداقت، حمید و کرمی، فاطمه. (۱۴۰۰). خشـــونت علیه زنان: حاکمیت ایدئولوژی مردسالار و هژمونی سلطهٔ مذکر (مطالعه موردی: زنان شهر بوشهر). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹ (۴)، ۵۴۵-۵۷۲.

اکبری ترکمانی، نســـرین؛ قاسمی، وحید و آقابابایی، احسان. (۱۳۹۷). توانمندســـازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تاکید بر مؤلفه اشتغال. *مطالعات زنان*، ۱۶ (۳)، ۷-۳۶.

باقری، معصومه و حســـینی، محمدرضا. (۱۴۰۱). واکاوی کیفی توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱ (۲۱)، ۳۷-۵۲.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد. (۱۳۷۴). *گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، جدول‌ها و گزیده‌ای از متن مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی*. انتشارات تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی ـ اجتماعی.

تاراســـی، زهرا؛ کریم‌زاده، حســـین و آقایاری هیر، محسن. (۱۳۹۸). بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۹ (۴۵)، ۲۳۸-۲۵۷.

جلیلیان، ســـارا و سعدی، حشمت‌الله. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی ـ اقتصادی بر توانمندی روان‌شناختی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب. *پژوهش‌های روستایی*، ۶ (۴)، ۷۴۵-۷۶۶.

جهان‌بین، رضا؛ بابایی اقدم، فریدون و اصغری زمانی، اکبر. (۱۳۹۹). تحلیل و سنجش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان در محلات فرودست شهری ایلام. *جغرافیای انسانی*، ۱ (۵۲)، ۳۰۱-۳۲۱.

حبیبی، آرش و آفریدی، صنم. (۱۴۰۱). *تصمیم‌گیری چندشاخصه*. تهران: انتشارات نارون.

حســـن‌پور، اکبر؛ ابطحی، امیررضا؛ امیر پورلیندی، عبدالصمد و داداشـــی، مژگان. (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *رفاه اجتماعی*، ۲۱ (۸۰)، ۸۱-۱۱۵.

حیدرنژاد، علیرضا؛ ودیعه، ساســـان و ترکمان، فرح. (۱۳۹۵). بررســـی رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی، سبک زندگی با امنیت شغلی کارکنان نیروی انتظامی شهر تهران. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱ (۴۶)، ۲۰۶-۲۳۱.

خانی، فضیله؛ مطیعی، سید حسن و صیاد بیدهندی، لیلا. (۱۳۹۱). ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان). *توسعه روستایی*، ۴ (۱)، ۸۶-۱۰۸.

ریتزر، جرج. (۱۳۹۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشن نایبی. تهران: نشر نی.

زارعیان، ســـاریه؛ بلبلان، لیدا؛ ستارزاده، داریوش و هاشم‌پور، پریسا. (۱۴۰۰). تبیین ارتباط درک کلیشه‌های جنسیتی و درک کیفیت فضایی در دانش‌آموزان دختر. *پژوهشنامه زنان*، ۱۲ (۲)، ۶۵-۱۰۴.

زمانی مقدم، مسعود و افشانی، سید علیرضا.(۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۸۰، ۴۵-۸۰.

صفـــاری، مرجـــان؛ حیدری، کلثـــوم و لطیفی‌فرد، مهـــدی. (۱۳۹۹). تأثیر مشـــارکت پایدار در گردشـــگری ماجراجویانه بر توانمندسازی زنان. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲ (۵)، ۱۳۴-۱۱۳.

صیامی، قدیر و ســـتاری‌وند، ملیحه. (۱۴۰۰). تحلیل اســـتراتژیک از راهبردهای توانمندســـازی زنان سرپرســـت خانوار در ســـکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی مطالعهٔ موردی: محلات انصار و اروند در شهرک شهید رجایی مشهد. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹ (۳)، ۴۰۵-۴۲۷.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

طباطبایی قدس، فاطمه؛ خادمیان، طلیعه و سپهر، محمدهمایون. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان با فرهنگ سیاسی دموکراتیک آنان در شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۲ (۲)، ۱۳-۳۵.

ظفری‌نسب، مریم؛ گلزاری، زینب؛ نوریان، محمد و رضوی، حسن. (۱۴۰۱). فراترکیب عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی. *روستا و توسعه*، ۲۴(۴)، ۴۷-۷۰.

عباس‌زاده، محمد و بوداقی، علی. (۱۳۹۹). مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان متأهل استان آذربایجان شرقی با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۸ (۲)، ۷-۴۲.

عربخانی، اسداله؛ سیدمیرزایی، سید محمد و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۸). تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده بنیان. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۳ (۳)، ۸۹-۱۱۶.

فرهمند، مهناز و رضوانی، زهره. (۱۳۹۸). نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک همسری و چندهمسری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰ (۷۵)، ۱۴۳-۱۵۴.

قاسمی، وحید؛ عرب خراسانی، سمیه و ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۹). تقاطع جنسیت و خانواده فهم مردانه از ازدواج و جدایی. *مطالعات زن و خانواده*، ۸ (۱)، ۱۱۳-۱۵۶.

کبیر، نایلا. (۲۰۱۰). تأملی در سنجش قدرتمندشدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها، ترجمه فاطمه صادقی، مجموعه *مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه* (۱۳۸۹). تهران: نشر آگه.

کرمانی، مهدی؛ مظلوم خراسانی، محمد؛ بهروان، حسین و نوغانی‌دخت بهمنی، محسن. (۱۳۹۳). توانمندسازی مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای مطالعه موردی ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرداری تهران. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۲ (۳)، ۱۰۸-۱۳۶.

کشاورزی، فهیمه و شمشیری، بابک. (۱۳۹۹). الگوی کاربردی توسعه توانمندسازی زنان جامعه ایرانی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۸ (۳)، ۴۶۴-۴۸۴.

کیانی قلعه‌سرد، سروش و ارسلان‌بد، محمدرضا. (۱۳۹۳). توانمندسازی اقتصادی زنان با نگاهی به تجربه ژاپن. *همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی*.

لانگه، سارا. (۱۳۷۶). *نقش زنان در توسعه*. دفتر امور زنان، ریاست جمهوری، صندوق کودکان سازمان ملل متحد. تهران: انتشارات روشنفکران.

منظمی تبار، جواد. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی ناجا با سرآمدی سازمانی در مناطق مرزی. *مدیریت منابع در نیروی انتظامی*، ۹ (۳)، ۳۷۹-۴۰۶.

یاسمی، محسن؛ بهادری جهرمی، ثمینه؛ خیری، حسن و دلشاد، عبدالحمید. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان شاغل سرپرست خانوار در حوزه جغرافیایی استان ایلام با رویکرد منطقه‌ای. *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۳ (۵۲)، ۱۶۹-۱۸۳.

Agarwal, A., Shankar, R., & Tiwari, M. K. (2007). Modeling agility of supply chain. *Industrial Marketing Management*, *36*(4), 443-457.

Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, *13*(1), 210-230.

Hallaq, T. (2016). Evaluating online media literacy in higher education: Validity and reliability of the Digital Online Media Literacy Assessment (DOMLA). *Journal of Media Literacy Education, 8*(1), 62-84.

Littrell, R. F. (2007). Influences on employee preferences for empowerment practices by the «ideal manager» in China. *International Journal of Intercultural Relations*, *31*(1), 87-110.

Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002, June). Measuring women's empowerment as a variable in international development. In *background paper prepared for the World Bank Workshop on*

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

Poverty and Gender: New Perspectives (Vol. 28, p. 58). Washington, DC: The World Bank.

Mallak, L., Mallak, L. A., & Kurstedt, H. A. (1996). Understanding and using empowerment to change organizational culture. *Industrial Management*, *38*, 8-10.

Mayoux, L. (2006). Women's empowerment through sustainable microfinance: Rethinking "Best Practice". *Eldis Gender Guide*, 47-62.

McLagan, P., & Nel, C. (1997). *The age of participation: New governance for the workplace and the world*. Berrett-Koehler Publishers.

Sen, A. K. (1994). Well-being, capability and public policy. *Giornale degli economisti e annali di economia*, 333-347.

Sen, A. (2005). Justice: Means versus freedoms. *Philosophy & Public Affairs*, 111-121.

Sprietzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement and validation. *Academy of Management Journal*, *38*(5), 1442-1465.

Thomas, K. W., & Velthouse, B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An «interpretive» model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Review*, *15*(4), 666-681.

World Bank. (2012). *World development report: Gender inequality and development.* Washington: World Bank.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]

Quarterly Journal of
Family and Research

Providing a Model for Women's Empowerment Using Interpretive Structural Modeling (ISM)

■ Z. Rezvani[1] ■ M. Niazi, Ph.D.[2*] ■ M. O. Hosseinbor, Ph.D.[3]

Abstract

The present study aims to identify the factors influencing women's empowerment and to develop an appropriate model based on the Interpretive Structural Modeling (ISM) technique. Utilizing a mixed-methods (qualitative and quantitative) approach, data were gathered from various studies to identify key determinants of women's empowerment, including gender culture, socio-economic status, social awareness, social participation, cultural capital, social capital, media, family structure, religion, and personality traits. These factors were organized into a self-interaction matrix questionnaire and administered to 15 experts in the field of sociology. The results indicate that gender culture and socio-economic status are positioned at the top of the hierarchy of factors influencing women's empowerment. Gender culture, social participation, social awareness, and media were identified as key variables, while family structure, cultural capital, and socio-economic status were categorized within the «linkage» sector with varying degrees of influence. Given that gender culture and socio-economic status emerged as the primary drivers, the findings suggest that both at individual and social levels—particularly relevant institutions—should adopt strategies to enhance the ability to learn new patterns in cultural interactions to provide appropriate behavioral responses, while simultaneously strengthening individuals' socio-economic standing.

Keywords: **Women's empowerment, interpretive structural modeling (ISM), factors affecting empowerment**

Date received: Dec. 18, 2023 **Date accepted:** April 20, 2024

1. Doctoral Student in Sociology: Social Issues of Iran subfield, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran.

2. Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran, (Corresponding Author).
E-mail: niazim@kashanu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-23]